

عوامل فاجعه در فیلیپین

و قتل عام مسلمانان

آن کس که صبح کند و به فکر دیگر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست!

یکی از فاجیع ترین جنایات سازمان تروریستی مسیحی - ایلاکاس - حمله به یک روستای مسلمان در روز برگزادی جشن میلاد پیامبر اسلام (ص) (در ماه ربیع الاول) بود. در این حمله وحتی‌سانه ۸۹ مسلمان شرکت کننده در جشن بقتل رسیدند و فقط ۵ کودک فرار کردند و به پاسگاه نیروی دولتی پناه بردند. رئیس پاسگاه مسلمان بود و زانندارهای آن مسیحی ... زانندارها بدون اجازه رئیس خود به روی کودکان آتش گشودند که سه نفرشان دردم جان سپردند و ولی رئیس پاسگاه بلافاصله هر پنج زانندارم را به مسلسل بست و پس از کشتن آنها، خود به سانزجان دبیران - باهان مسلمان - پیوست ...

نتیجه تجاوزات صد بشری نیروهای مسیحی بر مسلمانان، تاکنون بقراردیل بوده است:

۱ - بیش از شش هزار خانه و مزارع مسلمانان با آتش کشیده شده است.

۲ - متجاوزان ۸۰ مسجد و مدرسه ویران گشته است.

۳ - متجاوزان سه هزار مسلمان، اعم از زن و مرد

طبق اخباری که از طرف منابع موثق خبری منتشر شده، سازمانهای تروریستی مسیحی در فیلیپین، به پشتیبانی رسمی و علنی نیروهای دولتی، به سرکوبی کامل مسلمانان برخاسته‌اند. سازمان تروریستی ایلاکاس اموشهای سحرانی (به کمک مستشاران خارجی و هم‌راهن کارشناسان صهیونیست) بعنوان مبارزه با کارهای چریکی، دست به اقدامات شدیدی برسد و مسلمانان زده و علاوه بر قتل عام مردم بی‌گناه، آنان را از روستاهای خود بیرون می‌کنند و خانه‌ها و مساجد و مزارع ایشان را به آتش می‌کشند.

تروریستها در همه جامی کوشند وحشت و ترس حکم فرماید تا مسلمانان خود آواره شوند و خانه‌ها و مزارعشان را ترک گویند ...

آنان رهبران مذهبی مردم مسلمان را هم بقتل می‌رسانند و اجساد کشته‌ها را شله می‌کنند، زیرا که سازمان رهبری‌شان برای سرکوبی بربده‌های از دست‌ها را و بیسوه - پول محلی - جایزه می‌پردازد ...

و کوشش شدیدی دارند .

۴. بیش از پنجاه هزار خانواده از سرزمین خود بیرون رانده شده اند که هم اکنون بعنوان وادارانگان، بازرگانگرستی دست بگریزانند .

۵. نیروهای ارتش مسیحی به بهانه تعقیب و پیراهن سپاهان ۱۲ ناحیه مسلمان نظیر را اشغال کرده اند .

البته باید یاد آوردیم که بیشتر این فجایع ، قبل از اتحاد رهبران گروه های مسلمان صورت گرفته و اکنون پس از اتحاد سازمان های اسلامی و رهبرانشان ، خوشبختانه شکست تروریست های مسیحی بخوبی آشکار شده است ، ولی این تنها کافی نیست . زیرا که مسلمانان فیلیپین ، هنوز نیادند

یادوی و کمک مادی و معنوی برادران خود هستند تا بتوانند به باره خود علیه ظلمان حکومت مسیحی مبارکوس و آدم کشی تروریست های وایلاگساری

ادامه دهند و سرزمینهای خود را از تجاوز و نهدی دشمن حفظ نمایند .

از اراحتی مسلمانان فیلیپین با آمدن اسپانیاییها آغاز گردیده و تا به امروز ادامه دارد ، چرا که مسلمانان با کمالات شجاعت و شهامت در مقابل نیروهای اشغالگر ، مقاومت کردند و پس از استقلال در مقابل حکومت مرکزی مسیحی که میخواست ملت مسلمان را در درون جامه مسیحی مستهک سازد ، قرار گرفتند .

بطور کلی میتوان عوامل گرفتاری و ناراحتی مسلمانان فیلیپین را به شرح زیر تلخیص کرد :

(۱) رهبران مسیحی پس از استقلال فیلیپین ، پیشنهاد

کردند که اعضاء حکومت مرکزی و افراد پستهای حماسی فقط از مسیحیان انتخاب شوند . زیرا که فیلیپین وقتی آرامش بخود نخواهد دید که همه مردم آن مسیحی بشوند !

و ژنرال پولاو رئیس سابق ستاد ارتش فیلیپین در سال ۱۹۵۵ مبه دولت پیشنهاد کرد که برای حفظ امنیت و آرامش کشور باید همه مردم آن ، مسیحی بشوند . ولی این پیشنهاد رسمی و عملی ، با مخالفت جدی مسلمانان مردم برمی آنجا که مسیحی نیستند .

روبروشد و چون رهبران مسلمان اعلام جهاد کردند ، دولت مجبور شد که پیشنهاد ژنرال پولاو را براه نکند ، ولی در عمل آنرا بطور پنهانی و پندری اجرا کرد ،

(۱) مسلمانان فیلیپین در دهه های ۱۹۵۰ میلادی بود به دیگر کشورها و ملت های اسلامی و بویژه در مسئله

سازمانده و حقوق ملت فلسطین ، هوادار مسیحی در اندان دینی خود هستند ، تا آنجا که بطور علنی با ایجاد روابط سیاسی با حکومت سدا سلام موجود در منطقه مخالفت کردند و هنگامیکه بعضی از

رهبران مسیحی نیست و چون استقلال فیلیپین بدست آمده با نظرات دافنه دار مردم مسلمان در بروشدند .

چنانچه آنجا که که سفیر اسرائیل در مسائل برای رهبران تظاهرات مسلمانان و دولت فلسطین احوال داشت تا وقتی از اسرائیل میدرد کرد ،

چنانکه رهبران دیگر مسلمانان فیلیپین همه نامه های مشابهی دریافت کردند ، ولی همه آنها این دعوتها را رد کردند . و در موقعی که دست تهراتان مسجد اقصی را به آتش کشید ،

مسیحی در فیلیپین بعنوان اغراض پرهیز شد که با دخالت پلیس حکومت مسیحی پایان یافت .

یکی از این رهبران فیلیپین در یک مصاحبه مطبوعاتی باینک روزنامه چاپ قاهره ، اعلام داشت که

« صهیونیسم جهانی در پشت سر همه قتل عامهایی که بر ضد مسلمانان در فیلیپین رواج گرفته . قرار دارد » (۱)

(۲) همکاری صهیونیسم جهانی با حکومت مسیحی فیلیپین و سازمانهای تروریستی مسیحی برای اشغال سرزمینهای حاصلخیز مسلمانان در فیلیپین یکی دیگر از عوامل اصلی ادامه و فاجعه در این سرزمین است .

یکی از معروفترین روزنامه های اسلامی در گزارش مشروح و مستندی می نویسد : فاجعه فیلیپین تکرار فاجعه فلسطین است ؛ زیرا که صهیونیسم

بسم جهانی ، به ثروت جنوب فیلیپین چشم دوخته است . (۲)

این نوشته را رهبران مسلمان کشف کردند و با سر احدث در بارلمان فیلیپین ، حکومت دفریناند مارکوس را استیضاح کردند . آنها با اسناد و مدارک که داشتند در مجلس ملی فیلیپین رسماً اعلام

کردند که : بعضی از نمایندگان فیلیپین ده میلیون دلار بعنوان پاداش از اسرائیل دریافت داشته تا قرارداد اقتصادی و فرهنگی جدیدی با آن منعقد سازد و

اسرائیل وعده داده است که همه گونه کمک مادی و معنوی را به سازمان تروریستی وایلاگساری نماید (۳) .

(۴) : « مانوئل الیساندی » سرمایه داریهودی اسپانیایی الاصل ، که بعنوان مستشار ویژه در کار

- (۱) الجمهوریه چاپ قاهره مورخ ۲۰/۱۰/۶۳
- (۲) اخبار البوم ، قاهره مورخ ۲۱/۸/۶۴
- (۳) الوعی الاسلامی چاپ کویت شماره ۸۸ سال ۸۲ ص ۸۲

حکومت مرکزی می کند ، بوسیله کارشناسان خود گزارشهایی دریافت کرد ؛ که نشان می داد

در مناطق مسلمان نشین جنوب فیلیپین - جزایر مانداناو ، معادن گوناگون : طلا ، نقره ، مس ، آهن ، منگنز آلومینیوم و گوگرد وجود دارد و روی این اهل سازمان تروریستی وایلاگساری تقویت

می کند تا مسلمانان را با تانک عام و آتش و خون ، از سرزمین آب و آبی و اجزای خود بیرون براند و

نیروهای دولتی یا مسیحیان شمال آن نواحی را اشغال نماید و از منابع طبیعی و معادن و ذخائر آن بدون در دسترسانده کنند .

(۵) : نوشته دیگری که از عوامل اساسی ادامه فاجعه در فیلیپین بشمار می رود ، مهاجرت دسته

چوبی مسیحیان شمال فیلیپین به مناطق جنوبی کشور ، که مسلمان نشین است ، می باشد .

این مهاجرت طبق برنامه و نقشه دقیقی از طرف حکومت مرکزی تقویت می شود و حکومت قسمتی

از اراضی مسلمانانی را که حاشر نیستند مسیحیان را در اراضی خود اسکان دهند ؛ با آن می بخشد ؛

تادیگران نیز عبرت بگیرند . مسئله مهاجرت دسته جمعی مسیحیان شمال به

جنوب کشور بندریج از سال ۱۹۴۸ م آغاز گردید ؛ در این سال طبق یک قانونی دولت اجازه داد کسانی که می توانستند در اراضی ثبت شد مهاجر شوند بکار مشغول گردند ، آن اراضی متعلق ب خود آنان باشد ... بدین ترتیب مسیحیان بتدریج در جنوب رخنه کردند و با همکاری مقامات دولتی ، کوشیدند که اراضی حاصلخیز را بنا خودیبه ثبت دهند . در